

باب اول - درباره ضرر ماکرین

جمال مبارک جل جلاله در لوحی میفرماید قوله تعالی :
 “اول وهنی که وارد شد در غیبت جمال قدم بوده و آن این بود که در حرم نقطه اولی آن ظالم بیوفا تصرف نمود و بعد چون مطبوع نفس خبیثه اش واقع نشد به خبیث دیگر بخشید نعوذ بالله از این عمل شنیع و بعد که جمال قدم تشریف آوردند فرمودند هیچ غافل چینی ارتکابی ننموده در اینصورت چه میتوان بمردم گفت چنانچه والده خود حضرت اعلی روح ماسواه فداه بیکی از نساء مؤمنه ذکر نمودند که اینها اگر او را حجت میدانستند چرا هتک حرمت نمودند این مطلب و اعمال شنیعه دیگر او را بتفصیل این عبد در بعضی مقامات ذکر نموده جمیع باید در نظر آن جناب باشد و بغافلین القاء فرماید تا مطلع شوند” انتهى

و نیز در لوحی از قلم مبارک نازل شده قوله تعالی :
 “یا حبیب فؤادی اکثری از ناس در دبستان جهل و نادانی تربیت شده اند و در مفازه کذب و نفاق سائر کجاست بینا و کجاست شنوا این الابصار الحدیده و الأذان الواعیه نفسیکه حرف ثالث مؤمن بمن یظهره الله را بنص نقطه بیان روح من فی الامکان فداه بظلم و طغیان شهید نمود و همچنین شخصی که با او از ارس تا بعراق آمد و همچنین نفوس دیگر هر یک بیبانه فتوی بر قتلش داد مع ذلک نوشته که نفوس مقدسه را میکشند و زورکی میخوانند ریاست نمایند حال ملاحظه نمائید که حرف ثالث من یظهره الله را از نفوس مقدسه نشمرده و آقا جان مشهور به کج کلاه که خدای واحد شاهد است که از اعمال شنیعه او اهل این دیار بفریاد آمده بودند از ایران و اسلامبول و شام و این بلد استفسار نمایند تا حقیقت این نفس که خدمت شخص موهوم از نفوس مقدسه شده معلوم گردد و آن شخص بزرگی که مرقوم داشته بودید که نفس موهوم مکتوبی باو نوشته ارسال داشت خوبست تفصیل آقا جان را از او سؤال نمایند چه که خواهر آقا جان در بیت نواب فریدون میرزا بوده و از جمله نفوس مقدسه نفس موهوم رضا قلی بوده که خود آنجناب میدانند که برادرش در حضور آن حضرت ذکر مینمود که عدم ایمان من نظر بایمانیست که رضا قلی اخوی من ادعا مینماید و من او را بهتر میشناسم و اعمال او را بهتر میدانم معذک می بینم که او خود را یکی از اولیای این امر میدانند دیگر تفصیل او بر خود آن حضرت معلومست و مطلع شده اند که بچه حجت از ساحت اقدس طرد شد و اگر از اتباع یحیی بود در عکا چه میکرد فو الله الذی لا اله الا هو ورد منه و من اخته ماناح به سکان الملکوت اینها از نفوسی هستند که هر نفسی آنها را دیده شهد بکذبهم و نفاقهم و هم الذین نبذوا امر الله و احکامه و اخذوا ما امرهم به اهوئهم یشهد بذلک ما انزله الرحمن فی الکتاب لعمرک قد ذرفت العیون من اعمالهم و ذابت الاکباد بما ورد من ظلمهم علی امر الله و سفرائه یشهد بذلک کل من

تزیین برداء الانصاف چقدر محبوب است که شخصی از جناب مشیرالدوله سبب رفتن سید محمد را باستامبول سؤال کند تا معلوم شود نزد هر ذی بصری که این نفوس کذبه موهومه چه مقدار سبب تضییع امر الله شده‌اند و از جمیع این امور گذشته خود آنجناب مطلعند که احدی با آن نفوس معاشر نبود چند شهر بود که جمال قدم با احدی معاشرت نمینمودند باب مسدود و لقا ممنوع و در آن ایام واقع شد آنچه واقع شد ان الخادم یسئل ربه بان یعرف العباد ما عنده و یهدیهم صراط المستقیم” انتهى